



چهارم) مفتاح الکرامه در همین مثال (جواز قطع نماز) در ذیل کلام علامه می نویسد:

«(قوله) قدس الله تعالى روحه (و يجوز لحفظ المال و الطفل و شبهه) قال في (المنتهى) يحرم قطع الصلاة إلا لضرورة كمن رأى دابة له انفلتت أو غريما يخاف فوته أو مالا يخاف ضياعه أو غريقا يخاف هلاكه أو حريقا يلحقه أو طفلا يخاف سقوطه (ثم قال) و إنما يجوز ذلك إذا لم يحصل الغرض بدون فلو أمكن بدون قطعها لم يجز ثم قال إذا ثبت ذلك فنقول إذا فعله لم تبطل صلاته إجماعاً انتهى و في (المبسوط) متى رأى دابة له انفلتت أو غريما و ذكر ما في المنتهى إلى قوله سقوطه و زاد بعد قوله حريقا يلحقه أو شيئاً من ماله و في (المعتبر) بعد نقل كلام المبسوط هذا صواب إن كان في البقاء على حاله ضرر و ينبغي أن يختص جواز قطعها بالحال التي لا يمكن الغرض بدون ذلك فأما إن أمكن بدون قطعها لم يجز القطع.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. علامه در منتهی می نویسد: اگر در جایی که جایز است قطع نماز، نماز را به جای آورد، نماز باطل نیست.

۲. در مبسوط هم می نویسد اگر حفظ جان و مال به وسیله دیگری قابل تحصیل است، شکستن نماز جایز نیست.

ما می گوئیم:

۱. نحوه استدلال به این کلام به همان سیاق است که در ذیل عبارت اول آوردیم  
۲. مطلب در مورد مال دیگری نیست در نتیجه عبارت وجوب فقط نفس دیگری را مورد اشاره قرار داده است. برای این کار می توان مرتکب حرام (قطع صلوة) شد.

پنج) مفتاح الکرامه، جواز قطع نماز به خاطر حفظ جان بچه را به شهید اول در دروس و سبزواری در کفایه نسبت می دهد.<sup>۲</sup>

۱. مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة (ط - القديمة)، ج ۳ قسم ۱، ص ۴۶.

۲. مفتاح الکرامه، ج ۸، ص ۱۵۷.



شش) مرحوم صاحب جواهر در احکام واجب زایمان به «استبداد النساء بالمرأه» اشاره می کند و می نویسد فقط زنان در هنگام زایمان باید زائو را همراهی کنند. (استبداد: به تنهایی کاری را انجام دادن). ایشان در ضمن این بحث به وجوب حفظ نفس محترمه اشاره دارد:

«أما سنن الولادة و آدابها الواجبة و المندوبة فالواجب منها استبداد النساء بالمرأة عند الولادة دون الرجال إلا مع عدم النساء بلا خلاف أجده في شيء من ذلك، بل و لا إشكال، ضرورة وجوب حضور من علم بحالها من النساء كفاية، لوجوب حفظ النفس المحترمة عند تحقق ما يخشى منه تلفها مع عدم الحضور، و منه ما نحن فيه، كضرورة وجوب استبدادهن بذلك للإجماع، قيل: و لملازمة اطلاع الرجال حتى المحارم لما يحرم عليهم من النظر للعورة و غيرها و مسها و سماع الصوت و نحو ذلك، بل ربما أدى حضورهم إلى تلفها و تلف ولدها باعتبار ما يحصل معها من الحياء و نحوه، و ربما يرشد إلى ذلك ما دل من نص و فتوى على قبول شهادة النساء منفردات بالولادة و الاستهلال و نحوهما.\*»

نعم مع فرض عدم من يقوم بحاجتها من النساء يجب على الرجال، و ينبغي تقديم المحارم، بل عن بعضهم وجوبه، و هو لا يخلو من وجه، بل قد يحتمل إيجاب جعل الأجنبي محرما مع الإمكان، إلا أن الأقوى خلافه، بل قد يقوى عدم اختصاص الوجوب بالمحارم لاتحاد الجميع في اقتضاء الدليل الدال على وجوب حفظ النفس المحترمة المرجح على غيره، فتباح حينئذ المحظورات عند الضرورات التي اقتضت جواز لمس الطبيب و نظره حتى إلى العورة.»<sup>۱</sup>

هفت) مرحوم صاحب شرایع در بحث اطعمه و اشربه، بعد از بیان محرمات «كل ما قلنا بالمنع من تناوله فالبحت فيه مع الاختيار و مع الضروره يسوغ التناول»<sup>۲</sup>

ایشان سپس در تعریف مضطر می نویسد:

«أما المضطر فهو الذي يخاف التلف لو لم يتناول»<sup>۱</sup>

۱. جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۱، ص ۲۵۰.

۲. جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۶، ص ۴۲۵.



مرحوم صاحب جواهر بعد از لفظ «التلف»، لغت «علی نفسه» را اضافه کرده است و لذا معلوم می کند که مراد اضطراری است که بر خود آدمی وارد شده است و اصلاً ناظر به اضطرار دیگران نیست، ولی در ادامه به اضطرار غیر هم اشاره می کند.

ایشان در بحث بعد در مورد کسیکه «اگر بالفعل مریض نیست ولی می ترسد اگر خوردن چیزی را ترک کند مریض شود.» می نویسد:

«و کذا یتحقق الاضطرار لو خاف المرض بالترک بل و کذا لو خاف (خشی خ ل) الضعف المؤدی إلی التخلف عن الرفقة مع ظهور أمانة العطب بذلك أو إلی ضعف عن الركوب أو المشی المؤدی إلی خوف التلف.

بل الظاهر تحققه بالخوف علی نفس غیره المحترمة، كالحامل تخاف علی الجنین، و المرضع علی الطفل، و بالإکراه و بالتقیة الحاصلة بالخوف علی إتلاف نفسه أو نفس محترمة أو عرضه أو عرض محترم أو ماله أو مال محترم يجب علیه حفظه.»<sup>۲</sup>

توضیح:

۱. اگر آدمی می ترسد که اگر چیزی حرام را نخورد مریض شود، و یا می ترسد ضعیف شود و از کاروان باز ماند (در حالیکه علائم خستگی را مشاهده می کند) یا می ترسد ضعیف شود و از سوار شدن یا پیاده رفتن بازماند و این باز ماندن به خوف تلف منجر می شود، در این صورت می تواند حرام را بخورد.
۲. بلکه اگر آدمی می ترسد که اگر حرام را نخورد، نفس محترمه دیگری در هلاکت بیافتد (مثل مادر که برای جنینش نگران است یا برای شیرخواره اش نگران است)، در این صورت هم اضطرار محقق می شود.
۳. هم چنین اضطرار محقق می شود اگر اکراه باشد.
۴. هم چنین اضطرار تحقق می یابد اگر تقیه باشد به اینکه آدمی می ترسد جان خودش یا «نفس محترمه ای» یا آبروی خودش یا «آبروی کسی که احترام دارد» یا مال خودش و یا «مال محترمی که بر آدمی حفظ آن واجب است» ضرر ببیند

۱. التعليقات علی شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۶، ص ۴۲۷.

ما می گوئیم:

۱. ظاهر عبارت مرحوم صاحب جواهر در آبروی دیگران مطلق است (چراکه در غیر این صورت ضمیر در «حفظه» می باید به صورت حفظهما آورده می شد) ولی در مورد مال دیگران مقید به صورتی است که حفظ آن بر آدمی واجب باشد ولذا مالی که دلیل بر وجوبش نداریم، مشمول فرض اضطرار نمی شود.
۲. نحوه استدلال همان گونه است که در ذیل عبارت اول آوردیم. این عبارت معلوم می کند که حفظ جان نفس محترمه و آبروی او واجب است.



دین خارج فقه ائمه یاران خمینی